



1 من تاك حقيقى هستم و پدر من باغيان است.

2 هر شاخه‌اى در من كه ميوه نياورد، آن را دور مى‌سازد و هر چه ميوه آرد آن را پاك مى‌كند تا بيشتر ميوه آورد.

3 الحال شما به سبب كلامى كه به شما گفته‌ام پاك هستيد.

4 در من بمانيد و من در شما. همچنانكه شاخه از خود نمى‌تواند ميوه آورد اگر در تاك نماند، همچنين شما نيز اگر در من نمانيد.

5 من تاك هستم و شما شاخه‌ها. آنكه در من مى‌ماند و من در او، ميوه بسيار مى‌آورد زيرا كه جدا از من هيچ نمى‌توانيد كرد.

6 اگر كسى در من نماند، مثل شاخه بيرون انداخته مى‌شود و ميخشكد و آنها را جمع كرده، در آتش مى‌اندازند و سوخته مى‌شود.

7 اگر در من بمانيد و كلام من در شما بماند، آنچه خواهيد بطلبيد كه براى شما خواهد شد.

8 جلال پدر من آشكارا مى‌شود به اينكه ميوه بسيار بياوريد و شاگرد من بشويد.

9 همچنان كه پدر مرا محبت نمود، من نيز شما را محبت نمودم؛ در محبت من بمانيد.

10 اگر احكام مرا نگاه داريد، در محبت من خواهيد ماند، چنانكه من احكام پدر خود را نگاه داشته‌ام و در محبت او مى‌مانم.

11 اين را به شما گفتم تا خوشى من در شما باشد و شادى شما كامل گردد.

12 اين است حكم من كه يكديگر را محبت نماييد، همچنان كه شما را محبت نمودم.

13 كسى محبت بزرگتر از اين ندارد كه جان خود را بجهت دوستان خود بدهد.

14 شما دوست من هستيد اگر آنچه به شما حكم مى‌كنم بجا آوريد.

15 ديگر شما را بنده نمى‌خوانم زيرا كه بنده آنچه آقايش مى‌كند نمى‌داند؛ لکن شما را دوست خوانده‌ام زيرا كه هرچه از پدر شنيده‌ام به شما بيان كردم.

16 شما مرا برگزيديد، بلكه من شما را برگزيدم و شما را مقرر كردم تا شما برويد و ميوه آوريد و ميوه شما بماند تا هر چه از پدر به اسم من طلب كنيد به شما عطا كند.

17 به اين چيزها شما را حكم مى‌كنم تا يكديگر را محبت نماييد.

18 اگر جهان شما را دشمن دارد، بدانيد كه بيشتر از شما مرا دشمن داشته است.

19 اگر از جهان مى‌بوديد، جهان خاصان خود را دوست مى‌داشت. لکن چونكه از جهان نيستيد بلكه من شما را از جهان برگزيده‌ام، از اين سبب جهان با شما دشمنى مى‌كند.

20 به خاطر آرید کلامی را که به شما گفتم، غلام بزرگتر از آقای خود نیست. اگر مرا رحمت دادند، شما را نیز رحمت خواهند داد؛ اگر کلام مرا نگاه داشتند، کلام شما را هم نگاه خواهند داشت.

21 لکن بجهت اسم من جمیع این کارها را به شما خواهند کرد زیرا که فرستنده مرا نمی‌شناسند.

22 اگر نیامده بودم و به ایشان تکلم نکرده، گناه نمی‌داشتند؛ و اما الآن عذری برای گناه خود ندارند.

23 هر که مرا دشمن دارد پدر مرا نیز دشمن دارد.

24 و اگر در میان ایشان کارهایی نکرده بودم که غیر از من کسی هرگز نکرده بود، گناه نمی‌داشتند. ولیکن اکنون دیدند و دشمن داشتند مرا و پدر مرا نیز.

25 بلکه تا تمام شود کلامی که در شریعت ایشان مکتوب است که، مرا بی‌سبب دشمن داشتند.

26 لیکن چون تسلی‌دهنده که او را از جانب پدر نزد شما می‌فرستم آید، یعنی روح راستی که از پدر صادر می‌گردد، او بر من شهادت خواهد داد.

27 و شما نیز شهادت خواهید داد زیرا که از ابتدا با من بوده‌اید.